

## گلگشتی اندر خرابات

محمود نظری\*

خرابات / تألیف فقیر شیرازی (۱۲۹۶ - ۱۳۵۱ ه. ق.)، با  
تصحیح و توضیحات منوچهر دانش پزوه، تهران، مرکز نشر میراث  
مکتوب، ۱۳۷۷.

خرابات اثری است ماندگار از میرزاعلی متخلص به فقیر (۱۲۹۶ - ۱۳۵۱ ه. ق.)  
فرزند میرزا محمدباقر واعظ اصطهباناتی و مؤلف در تذکره مدینه‌الادب (چاپ عکسی  
کتابخانه مجلس، مجلد سوم، ص ۴۵۳)، شرح حال خود را به خط خویش نگاشته  
است.

خرابات، این کتاب دلنشین و خواندنی، مشتمل بر پند و اندرز و آموزه‌های اخلاقی و  
حکایات و امثال است که نویسنده و سراینده فاضل آن فقیر شیرازی با ذوق سرشار و  
بیان شیوای خود به پیروی از گلستان سعدی نوشته است.

مؤلف، دیگر آثار خود چون خانقاه (به طرز بوستان) و گنج فقیر (به سبک گلستان و بوستان)  
را نیز به تبعیت از سعدی تألیف کرده و سروده و در عین حال مانند برخی مقلدان آثار  
سعدی صرفاً به تقلید پرداخته، بلکه هم در ساختن قالب کلی اثر خویش و هم در  
آوردن حکایات و امثال روش خاص خود را دارد که مزیتی به کلام او بخشیده است.<sup>۱</sup>  
مؤلف خرابات را بر چهار باب مبتنی بر چهار فضیلت اخلاقی: حکمت، شجاعت،  
عفت و عدالت و یک دیباچه و یک فصل پایانی به نام پیمان‌ه مرتب کرده است. وی در  
نگارش خرابات از جهات آوردن داستان‌های کوتاه، فصل‌بندی کتاب به فصول جداگانه،

\* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

سرودن اشعار متناسب با متن، که همگی اشعار سروده خود اوست، روش سعدی را تبعیت کرده است.<sup>۲</sup> مصحح محترم کتاب، آقای دانش پژوه، در مقدمه خود بر کتاب، شرح حال مؤلف، ویژگی‌ها و خصوصیات اثر وی را بیان کرده است. ایشان خرابات را بر اساس نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی تبریز و چاپ سنگی آن تصحیح کرده و برای مزید فایده، بخصوص برای جوانان، حواشی مبسوطی در شرح مشکلات کتاب ذکر نموده است. ترجمه و توضیح عبارات و امثال عربی و همچنین عبارات مشکل فارسی با ذکر منابع و مأخذ مناسبی که ضروری می‌نمود، در پایان هر باب آمده است.<sup>۳</sup> ضمن ارجح‌گذاری به زحمات فراوان احیا کننده این اثر، با مقایسه بخشی از متن مصحح و چاپ سنگی آن، برخی اشکالات ذیل به نظر رسید که اگر وارد دانسته شد، امید آنکه در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

ص ۵۵، سطر ۷: در عبارت «و آسایش آن را در توجه به داستان رادمنشان دیده‌اند و تعرض به باستان داوروشان» که ظاهراً صحیح «دادروشان» باشد، چنانکه در چاپ سنگی نیز آمده است.

ص ۵۹، سطر ۴، در ابیات:

کس نداند که چون بود فردا	گردش کهنه گنبد دوآر
یا که گفت و شنید مردم چیست	یا چه پوشند ستره و شلوآر
این همه در زمانه عادات است	دل زعادات برکن ای هشیار
در چاپ سنگی به جای «هشیار» در مصرع دوم بیت سوم، کلمه «هشدار» آمده است که صحیح‌تر به نظر می‌رسد.	

ص ۷۵، سطر ۱۵، بیت:

مراد دل از خاطری جمع جوی	شب روشن از تابش شمع جوی
در چاپ سنگی «خاطر جمع» آمده است.	

ص ۷۵، سطر ۱۹، در عبارت «و خردمندان گفته‌اند که دُر را از دریا توان یافت و زر را از خارا» که به جای «دُر» صحیح «دُر» است، چنانکه در چاپ سنگی نیز آمده است.

ص ۸۵، سطر ۹، در عبارت: «خردمندان گفته‌اند آن کس که از زمان خود را در امان دید، زهر پیشیمانی چشیده، آن کس که دنیا را تعظیم کرد، به بلای عظیم رسید» که در چاپ سنگی آمده است: «چشید و».

ص ۸۶، سطر ۲۳، در عبارت «أنت تعيش لتأكل و أنا اكل لأعیش» که صحیح «آكل» به جای «اِكل» است.

ص ۹۳، سطر ۴، در عبارت: «درویش و توانگر را یکسان بیند و زیر و زبر روزگار را آسان پندار»، که در چاپ سنگی «پندارد» آمده است.  
ص ۹۵، سطر ۱۸، در بیت:

کسی که نفس زبون را اسیر عقل کند به یاد حق شود از نفس خودپرستی پاک  
که در چاپ سنگی بجای «نفس خودپرستی»، «نقش خودپرستی» آمده است.  
ص ۱۰۸، سطر ۱۰: در عبارت «پس فرمود تبیان سرّ شوهر مکن و عصیان امر او را میاور که در اخفای سرّ و اجرای امر، سمت محرومیت پیدا شود و به عکس وصمت محرومیت».

در چاپ سنگی بجای «سمت محرومیت»، «سمت محرمیت» آمده است.  
ص ۱۱۰، سطر ۷، در عبارت «گوید که حکمت را از آسمان به زمین هبوط است و علقه‌یی به دل‌های مردم مربوط» که در چاپ سنگی «علقه‌وی» آمده است.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. مقدمه مصحح، ص ۳۵.
۲. مقدمه مصحح، ص ۳۷.
۳. مقدمه مصحح، ص ۲۳.